

میزگردی با حضور دکتر سید جواد میری و دکتر ابراهیم فیاض

مردم چه می خواهند؟

باید «سرمایه اجتماعی» را به رسمیت بشناسیم تا از ظرفیت های آن در شرایط بحرانی جامعه بهره مند شویم

مهسا رضانی
خبرنگار

«سرمایه اجتماعی» در هر جامعه‌ای نیروی پیش برنده آن جامعه در مقابله با بحران‌های پیش‌رو است و پیش شرط تقویت این سرمایه، ایجاد «اعتماد اجتماعی» و به دنبال آن «امید اجتماعی» است و میان این سه همپوشانی قابل تأملی به چشم می‌خورد؛ به طوری که تقویت هر یک، بستر و زمینه تقویت دیگری را فراهم می‌کند. در میزگردی با حضور دکتر سید جواد میری، دانشیار جامعه‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دکتر ابراهیم فیاض، جامعه‌شناس و عضو هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، اهمیت سرمایه اجتماعی را برای برون‌رفت از بحران‌های امروز به بحث گذاشتیم؛ اینکه اساساً مطالبات مردم چیست؟ و چگونه می‌توان مشارکت آنان را برای تحقق این مطالبات جلب کرد؟ و در این فضا نقاط امیدبخش ما کجا است؟

■ **در این شرایط پر التهاب اقتصادی فکر می‌کنید اساسی‌ترین مطالبه این روزهای مردم چیست؟**

دکتر ابراهیم فیاض: آنچه مردم می‌خواهند «نظم اجتماعی» است که بر اساس نوعی «عقلانیت» شکل گرفته باشد. نظم اجتماعی، با قابل پیش‌بینی بودن در زمان حاصل می‌شود، یعنی در یک هم‌زمانی باید هم‌شکل بود و در از آمدت هم، رفتارها و شرایط قابل پیش‌بینی وجود داشته باشد. اما آنچه که این روزها با آن مواجه هستیم، نه هم‌زمانی و هم‌شکلی وجود دارد نه آینده برای مردم پیش‌بینی‌پذیر است و این اضطراب را به وضوح می‌شود در مردم و رفتارهای اجتماعی آنان دید. هنوز جامعه با رانت و فساد دست و پنجه نرم می‌کند چون «نظم اجتماعی» وجود ندارد. برای ایجاد نظم اجتماعی، باید به ساختارها برگردیم و بررسی کنیم که چطور سیاست و قدرت در این ساختارهای اجتماعی بنا شده است. وقتی ساختارهای اجتماعی بهم می‌خورد، بستر و زمینه لازم برای فساد و رانت نیز فراهم می‌شود.

■ **ساختارهای اجتماعی ماتحت تأثیر چه پدیده‌ای دچار بهم ریختگی شد؟**

فیاض: ما در زمان انقلاب دچار بهم ریختگی ساختاری شدیم و نتوانستیم آن را بدرستی بازسازی کنیم. بنابراین از خلال این ناپساوانی ساختاری، رانت و فساد شکل گرفت و بتدریج سازمان‌یافته و سیستماتیک شد چنانکه امروز چنین پرنک در بسیاری از نهادها شاهدش هستیم.

این ویژگی هر انقلابی است و تنها به انقلاب ما منحصر نمی‌شود. بهم خوردن ساختارها حتی می‌تواند اهداف انقلاب را هم تحت الشعاع قرار دهد. برای مثال، انقلاب ما برای برپایی «عدالت اجتماعی» بود اما به یکباره در دوره‌هایی بنا بر اقتضائات هر دوره به سمت سرمایه‌داری شیفت پیدا کردیم.

بنابراین نخستین مطالبه مردم، رسیدن به «نظم اجتماعی» است که طی آن، آینده برایشان پیش‌بینی‌پذیر شود و در عین حال، مردم یک هم‌زمانی و هم‌شکلی را احساس کنند. امروزه مطالبه دیگر مردم، «دیده شدن» است؛ به این معنا که حاکمیت صرفاً به مطالبات و دغدغه‌های اقلیتی خاص از جامعه توجه نکند و همه اقشار را محل توجه قرار دهد و در عین حال ظرفیت‌ها را شناخته و آنها را به کار گیرد. مادامی یک جامعه می‌تواند از ظرفیت‌های خود بهره‌گیرد که درک و شناخت درستی از این ظرفیت‌ها داشته باشد و این درک درست جز از رهگذر «دیدن همه اقشار جامعه» محقق نمی‌شود.

کشور ما از سرمایه‌های اجتماعی بسیاری همچون نیروی انسانی متخصص، اقتصاد و پول برخوردار است اما به نظر می‌رسد که کارگزاران چندان از این ظرفیت‌ها آگاه نیستند و به آن واقعی نمی‌نهند. متأسفانه، قشر کوچکی از اجتماع که مشروعیتی هم ندارند، بشدت خود را تحمیل کرده و با فرصت‌طلبی در لایه‌ها و ساختارهای جامعه نفوذ کرده است و به اعتقاد من، ریشه همه فسادها از همین ناآگاهی و شناخت از ظرفیت جامعه برمی‌خیزد.

دکتر سید جواد میری: یکی از مطالبات بسیار مهم مردم که در گفته‌های دکتر فیاض هم بود، به‌کارگیری عقلانیت

در سطح بالایی از «مشارکت اجتماعی» وجود دارد و ما تنها باید مردم را ببینیم و به مطالباتشان توجه کنیم تا بتوانیم سرمایه اجتماعی که اتفاقاً خیلی هم پررنگ است ببینیم و از نیرویش در حل مسائل جامعه بهره بگیریم. **میری:** همان‌طور که دکتر فیاض بدرستی اشاره کردند به نظر می‌رسد که مسأله توسعه، عدالت اقتصادی و توزیع منابع در جامعه ما به دلیل سیطره سیستم یا ساز و کار رانتی، گلوگاه تنفس جامعه مدنی را گرفته است و اساساً در این فضا نمی‌توان از رسیدن به یک «زبان مشترک» سخن گفت؛ زیرا کسانی که در ساز و کار تغییر و تحولات جامعه دخیل هستند بهم پیوند خورده‌اند و این خویشتاوندسالاری خواه‌ناخواه فرآیند توزیع منابع را نامتوازن می‌کند. تمایزگذاری‌ها باعث نامتوازن شدن منابع و سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه می‌شود.

■ **برای برقراری توازن در قدرت، سرمایه اجتماعی چه کاری می‌تواند انجام دهد؟ به تعبیری دیگر متن جامعه آیا می‌تواند معادله قدرت سیاسی را برهم زند تا در آن نظم ایجاد کند؟**

فیاض: هر تحولی اگر بخواند به ثبات برسد نیازمند یک سری ساختارهای اساسی است. باید «ساختار» و در مرحله بعد «ساختمان» ایجاد شود تا جامعه به عقلانیت و آرامش برسد. از جمله مؤلفه‌های ساخت‌دهنده به هر جامعه‌ای «قانون اساسی» آن جامعه است.

ما ساختار نداریم و برای ایجاد آن، قانون‌اساسی بسیار می‌تواند اثرگذار باشد و مادامی قانون اساسی می‌تواند به این مهم برسد که مبانی حقوقی و مذهبی خود را بیش از پیش تقویت کند. در این فضا، مذهب و حوزه‌های علمیه بسیار می‌توانند اثرگذار باشند چرا که همه ساختارها از مذهب شروخ می‌شود. از این‌رو، نهادهای مذهبی همچون حوزه باید خود را با تحولات اجتماعی همراه کنند. در غیر این صورت، ما با انحصارگری در جامعه مواجه خواهیم شد که طی آن اقلیتی قدرت را در دست خواهند گرفت. به نظر می‌رسد که این روزها ما سطحی از این امر را تجربه می‌کنیم و از این‌رو، بدنه سیاسی باید بیشتر بر «مشارکت اجتماعی» تأکید کرده و خود را از انحصارگرایی برهاند.

■ **چگونه می‌توان به زبان مشترکی میان مردم و حاکمیت رسید؟**

فیاض: نظم اجتماعی تابع عقلانیت است و عقلانیت ریشه در اقتصاد دارد؛ یعنی عقلانیت آن چیزی است که مقتضای یک اقتصاد و منطق اقتصادی است. بزرگترین مشکل امروز ما نهادینه نبودن ساختارهای جامعه است چرا که ساختار رانت‌خوار مانع می‌شود که عقلانیت در جامعه حاکم شود. متأسفانه امروزه، اسپانسرها و رانت‌خوارها هستند که در سیاست، فرهنگ و سیستم رسانه‌ای کشور، تعیین‌کننده هستند. به همین دلیل است که یکباره شبانه دلار و سکه چند برابر می‌شود، این اتفاق بخوبی گویای این است که عقلانیتی در جامعه گسترده نشده است.

بنابراین، جامعه‌ای که «نظم اجتماعی» نداشته باشد، نهادهای سازمان‌یافته نیز نخواهد داشت. ما نهاد نداریم چون حاکمیت سیستم‌های رانتی مانع از نهادسازی می‌شوند چرا که با نهادسازی بسترهای لازم برای رانت‌خواری قطع خواهد شد.

■ **چگونه می‌توان زمینه را برای نهادسازی فراهم کرد؟**

فیاض: نهادسازی کاملاً به قدرت برمی‌گردد و این قدرت سیاسی است که باید به «نهادسازی اجتماعی» روی آورد و همه چیز را اجتماعی و عمومی کند. در این صورت، مشارکت عمومی و عدالت مشارکتی به وجود می‌آید البته نه فقط عدالت سوسیالیستی که از بالا به پایین است و زمینه رانت‌خواری بیشتر را فراهم می‌کند.

معتمد، کارگزاران سیاسی و اجتماعی ما باید بیشتر بر «عدالت اجتماعی» تمرکز کنند. در آینده دولتی موفق خواهد بود که «عدالت اجتماعی» را به مرکز توجه خود آورد و دغدغه «رفاه اجتماعی» را داشته باشد.

برخلاف برخی که از پایین بودن نرخ سرمایه اجتماعی در جامعه سخن می‌گویند اتفاقاً بر این باورم در جامعه ما

با فقه پویا سازگارتر بود. بر این اساس، فقه پویا بر اساس اجتهاد در ذیل مفهوم مقتضیات زمان و مکان مسائل جدی و واقعی نظام را به مذاقه می‌گذاشت، اما بتدریج این جریان به فراموشی سپرده شد و بیشتر معیارهای حاکم بر فقه سنتی جایگزین شد. از این‌رو، چون «امر اجتماعی» چندان در فقه سنتی تعریف نشده بود، طبیعتاً مسائل اجتماعی مغفول ماند و این خود یکی از دلایلی است که امکان تحقق این زبان مشترک را دشوار می‌کند و فقه، مادامی می‌تواند به برون‌رفت ما از مسائل کمک کند که با متن جامعه در جزئی‌ترین مسائل، هماهنگ و همراه باشد.

فیاض: دکتر میری در صحبت‌هایشان از اهمیت فقه پویا برای برون‌رفت از مسائل امروز جامعه سخن گفت

ساختاری‌مان را که بستر ساز و زمینه‌ساز نهادسازی است، به‌روز کنیم. دوم، تصحیح و اصلاح ساختارها است تا بتوان با سیستم‌های رانتی مقابله کرد. ما باید نفت را از زندگی و اقتصادمان خارج کنیم چرا که نفت مبنای تمام رانت‌خواری و فساد در جامعه ما است. سوم، ببینیم مردم چه می‌خواهند. باید در حوزه سیاسی به تنوع سیاسی گردن بنهیم؛ یعنی امر سیاسی را در تگثرش در جامعه ایران ببینیم.

جامعه از سال ۱۳۵۷ فاصله گرفته و تغییر و تحولات بسیار را از سر گذرانده است. این تحولات را می‌توان در زمینه پوشش، رفتارهای سیاسی، سبک زندگی و... دید. اگر می‌خواهیم از بحران‌ها گذر کنیم راهی جز توسل به سرمایه اجتماعی و ارجاع به اراده ملی نداریم در غیر این



عکس: امیر رحیمی/ایران

عبارتی عقلانیت اقتصادی شکل گرفت، از سوی شریعتی بود. جریان شریعتی در سال ۴۸ شکل گرفت و کاملاً جریانی ضد بازار بود. شریعتی در نخستین سخنرانی‌اش در دانشگاه نفت آبادان، که در کتاب «انسان در اسلام» هم آمده است، از صنعتی کردن جامعه سخن می‌گوید و در این فضا، «جامعه‌شناسی اسلامی» را به‌عنوان میان‌بر پیشنهاد می‌دهد و بر این باور است که از رهگذر «جامعه‌شناسی اسلامی» است که می‌توان از «بورژوازی تجاری» خلاص شد و به «بورژوازی تولیدی و شهری» رسید که البته این تز تا تدروی‌هایی که گروه‌های چپ در ایران داشتند، بعداً کل ساختار عدالت‌طلبی انقلابی و روشنفکری مذهبی را که شریعتی ایجاد کرد به حاشیه برد. پس تنها راه ما برای خروج از بحران‌ها



دکتر ابراهیم فیاض: آنچه مردم می‌خواهند «نظم اجتماعی» است که بر اساس نوعی «عقلانیت» شکل گرفته باشد. نظم اجتماعی، با قابل پیش‌بینی بودن در زمان حاصل می‌شود، یعنی در یک هم‌زمانی باید هم‌شکل بود و در از آمدت هم رفتارها و شرایط قابل پیش‌بینی وجود داشته باشد. اما آنچه که این روزها با آن مواجه هستیم، نه هم‌زمانی و هم‌شکلی وجود دارد نه آینده برای مردم پیش‌بینی‌پذیر است و این اضطراب را به وضوح می‌شود در مردم و رفتارهای اجتماعی آنان دید.

– مطالبه دیگر مردم، «دیده شدن» است؛ به این معنا که حاکمیت صرفاً به مطالبات و دغدغه‌های اقلیتی خاص از جامعه توجه نکند و همه اقشار را محل توجه قرار دهد و در عین حال ظرفیت‌ها را شناخته و آنها را به کار گیرد. مادامی یک جامعه می‌تواند از ظرفیت‌های خود بهره‌گیرد که درک و شناخت درستی از این ظرفیت‌ها داشته باشد و این درک درست جز از رهگذر «دیدن همه اقشار جامعه» محقق نمی‌شود

اصلاح ساختارها است که اتفاقاً ریشه در مذهب دارد، مذهب باید به علم کلام برگردد و مواجهه‌اش را با کل جهان اعم از جهان اقتصادی، جهان رسانه‌ای، جهان علمی و... تصحیح کند و از طرف دیگر هم، «اقتصاد وارداتی» باید به «اقتصادی تولیدی» بدل شود. تکیه به قشر و طبقه متوسطی که همگی متخصص، باسواد و متفکر هستند و جلب مشارکت همه آنان بسیار می‌تواند برای امروز ما راهگشا باشد. پس باید «سرمایه اجتماعی» را به رسمیت بشناسیم تا از ظرفیت‌های آن در شرایط بحرانی جامعه بهره‌مند شویم.

صورت با دست‌انداها و سنگ‌لاخ‌هایی که امروز در منطقه هم شاهد آن هستیم، دست به گریبان خواهیم شد. **فیاض:** من بحث عقلانیت را مطرح کردم و معتمد اقتصاد در جامعه ما بر مبنای بازار بنا شده و «عقلانیت مصرفی» است که وقتی بر اراده مردم برای شرکت در انتخابات تأکید می‌شود، فقط شرکت مردم کافی نیست بلکه باید مشارکت آنان در نظارت، پاسخ‌گویی قدرت، خواستن شفافیت از حاکمیت و... نیز متجلی باشد. در این صورت است که می‌توان به شکل‌گیری نهادهای مدنی امید بست.

و بدرستی اشاره کرد فقه پویا به «امر اجتماعی» و «اقتضائات روز» توجه بیشتری دارد. معتمد علت به حاشیه رفتن فقه پویا، جدا شدن فقه از علم کلام بود؛ چرا که «علم کلام» راه ارتباطی دین با علم، جهان روز، تکنولوژی، مقتضیات زمان و مکان و مهم‌تر از همه علوم انسانی است. مسأله‌ای که ما با آن مواجه هستیم این است که علم کلام ما رابط دین با خارج از دین نیست. بنابراین، ما در برون‌رفت از مسائل امروز ما دور راه داریم؛ نخست، آنکه منابع معرفتی و

■ **برای تقویت سرمایه اجتماعی چه باید کرد؟**
میری: برای تقویت سرمایه اجتماعی، نخستین گام به رسمیت شناختن «اراده ملی» در ساختار سیاسی است. به رسمیت شناختن اراده ملی به این معنا است که وقتی بر اراده مردم برای شرکت در انتخابات تأکید می‌شود، فقط شرکت مردم کافی نیست بلکه باید مشارکت آنان در نظارت، پاسخ‌گویی قدرت، خواستن شفافیت از حاکمیت و... نیز متجلی باشد. در این صورت است که می‌توان به شکل‌گیری نهادهای مدنی امید بست.

